

تحلیل شناختی- انتقادی استعاره‌های مفهومی در گفتمان خبری دوزبانه فارسی- انگلیسی پیرامون برج‌ام^۱

ناهید احمدی نژاد^۲، اکرم کرانی^۳، مسعود دهقان^۴

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۳۱

چکیده

هدف این پژوهش، تحلیل تطبیقی استعاره‌های مفهومی در گفتمان خبری فارسی و انگلیسی شبکه س‌ان‌ان پیرامون برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) است. به این منظور، از رویکرد شناختی- انتقادی بهره گرفته شده که تلفیقی از نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) و مدل سه‌مرحله‌ای تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (۱۹۸۹) است. داده‌ها شامل ۱۰۰ خبر (۵۰ فارسی و ۵۰ انگلیسی) از وبسایت رسمی س‌ان‌ان در بازه زمانی شهریور ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۱ است که به‌صورت هدفمند انتخاب و با روش کیفی- کمی تحلیل شده‌اند. استعاره‌ها در سه دسته ساختاری، هستی‌شناختی و جهت‌ی، طبقه‌بندی و سپس در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی شدند. نتایج نشان داد که در گفتمان فارسی، استعاره‌هایی چون «برجام در حال مرگ» و «سازه فروپاشیده» غالب بوده و بازتاب‌دهنده رویکردی بحرانی و ناامیدانه هستند؛ در حالی‌که در گفتمان انگلیسی، استعاره‌هایی مانند «چهارچوب قابل بازسازی» و «میدان نبرد دیپلماتیک» برجسته‌ترند و بر راهبرد و امکان احیا تأکید دارند. این تفاوت‌ها نشان داد که استعاره‌ها در رسانه‌های دوزبانه، بازتاب‌دهنده نظام‌های فرهنگی و ایدئولوژیک متمایز بوده و نقشی تعیین‌کننده در هدایت ادراک عمومی دارند.

واژه‌های کلیدی

استعاره مفهومی، تحلیل گفتمان انتقادی، ایدئولوژی، رسانه‌های خبری دوزبانه، برجام.

۱. این مقاله براساس نظر گروه دبیران و سردبیر فصلنامه، پژوهشی است.

۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه علمی آموزش زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

nahid.ahmadinejad@iau.ac.ir

۳. استادیار گروه علمی آموزش زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول).

akram.korani@iau.ac.ir

۴. دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

m.dehghan@uok.ac.ir

مقدمه

تحلیل گفتمان انتقادی^۱ به‌عنوان رویکردی بینارشته‌ای در زبان‌شناسی کاربردی، مطالعات رسانه و علوم اجتماعی، با تمرکز بر روابط میان زبان، قدرت و ایدئولوژی، تلاش می‌کند سازوکارهای زبانی بازتولید نظم اجتماعی را آشکار سازد. از منظر این رویکرد، زبان صرفاً ابزار خنثی انتقال پیام نیست، بلکه کنشی اجتماعی و ایدئولوژیک است که از خلال آن، واقعیت شکل می‌گیرد، تثبیت می‌شود یا به چالش کشیده می‌شود (فرکلاف^۲، ۱۹۸۹). رسانه‌های خبری به‌ویژه در بافت‌های سیاسی، نقش مهمی در بازنمایی رخدادها و هدایت افکار عمومی ایفا می‌کنند. این بازنمایی‌ها اغلب با استفاده از ابزارهایی مانند استعاره‌های مفهومی صورت می‌گیرند که در ظاهر طبیعی، اما در باطن، حامل بارهای ارزشی و ایدئولوژیک هستند.

استعاره مفهومی، به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در زبان‌شناسی شناختی، توسط لیکاف و جانسون^۳ (۱۹۸۰) مطرح شد. از دیدگاه آنان، استعاره نه تزئینی ادبی، بلکه سازوکاری ذهنی برای درک مفاهیم انتزاعی بر پایه تجربه‌های عینی و ملموس است. استعاره‌ها ما را قادر می‌سازند تا موضوعات پیچیده را از طریق ساختارهای مفهومی آشنا تر درک و درباره آن‌ها استدلال کنیم. در گفتمان رسانه‌ای، استعاره‌ها نه تنها معنا می‌سازند، بلکه با برجسته‌سازی یا حذف برخی ابعاد واقعیت، به شکل‌گیری جهت‌دار درک مخاطب از پدیده‌های اجتماعی و سیاسی منجر می‌شوند.

در میان رخدادهای سیاسی دهه اخیر، برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) جایگاهی منحصربه‌فرد دارد. این توافق تاریخی که میان ایران و کشورهای +۵ در سال ۲۰۱۵ حاصل شد، به‌سرعت در مرکز گفتمان رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفت. از آن‌جا که برجام موضوعی چندوجهی، حساس و پیچیده است، رسانه‌ها ناگزیر از بهره‌گیری از استعاره‌ها برای ساده‌سازی، برجسته‌سازی و معناپردازی آن بوده‌اند.

1. Critical discourse analysis (CDA).

2. N. Fairclough.

3. G. Lakoff & M. Johnson.

در این میان، شبکه خبری چندزبانه سی‌ان‌ان با نسخه‌های انگلیسی و فارسی خود، بستری مناسب برای بررسی چگونگی بازنمایی متفاوت یک موضوع واحد در دو زبان و دو بافت فرهنگی فراهم کرده است.

تحلیل تطبیقی استعاره‌های مفهومی در نسخه‌های فارسی و انگلیسی سی‌ان‌ان، امکان بررسی تفاوت‌های ایدئولوژیک و راهبردهای گفتمانی رسانه‌ای را فراهم می‌آورد. چهارچوب‌های مفهومی حاکم بر استعاره‌های مفهومی به‌کاررفته در گفتمان خبری فارسی و انگلیسی شبکه سی‌ان‌ان پیرامون برج‌ام چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند؟ همچنین، مفاهیم کلیدی همچون «توافق»، «مذاکره» و «ایران» چگونه از طریق استعاره‌های مفهومی در دو زبان فارسی و انگلیسی بازنمایی می‌شوند و این بازنمایی‌ها چه تفاوت‌های ایدئولوژیک را آشکار می‌سازند؟ و در نهایت، تفاوت‌های استعاری میان گفتمان فارسی و انگلیسی سی‌ان‌ان چه دلالت‌هایی برای درک جهت‌گیری گفتمانی، بازتولید ایدئولوژی و شکل‌دهی به ادراک عمومی دارند؟ پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چهارچوب نظری استعاره مفهومی (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰) و مدل سه‌مرحله‌ای تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (۱۹۸۹)، به بررسی و مقایسه استعاره‌های ساختاری، هستی‌شناختی و جهتی در اخبار سی‌ان‌ان^۱ درباره برج‌ام می‌پردازد. رویکرد مقاله تلفیقی از تحلیل زبانی-مفهومی و تحلیل گفتمان انتقادی است تا نقش استعاره‌ها را در شکل‌دهی به گفتمان سیاسی و ساخت اجتماعی واقعیت در دو زبان فارسی و انگلیسی آشکار سازد.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی در زمینه استعاره‌های مفهومی و کارکردهای گفتمانی آن‌ها با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در حوزه‌های گوناگون از جمله سیاست، رسانه، آموزش و ادبیات صورت گرفته است. این مطالعات چه در ایران و چه در خارج از کشور، بر اهمیت استعاره‌ها به‌عنوان ابزارهای شناختی و اقماعی برای بازتولید ایدئولوژی، شکل‌دهی به ذهنیت مخاطبان و مشروعیت‌بخشی به گفتمان‌های مسلط تأکید داشته‌اند.

1 CNN.

صادقی و همکاران (۱۴۰۳) با تحلیل تیتراها و متون خبری روزنامه همشهری در زمان شیوع ویروس کرونا دریافتند که استعاره «کرونا دشمن است» به ایجاد حس ترس و بسیج اجتماعی کمک کرده است، اما در عین حال توجه به راه‌حل‌های علمی و پزشکی را به حاشیه رانده است.

مالمیر و همکاران (۱۴۰۲) نیز با بررسی اسمی‌سازی در سخنرانی‌های رؤسای جمهور ایران و آمریکا در گفتمان سیاسی پیرامون برجام، نشان دادند که اسمی‌سازی به‌عنوان نوعی استعاره دستوری، کارکردی ایدئولوژیک دارد و در برجسته‌سازی کنش‌های مثبت گفتمان خودی و تضعیف گفتمان رقیب به‌کار می‌رود.

نوبخت و همکاران (۱۴۰۱) با استفاده از چهارچوب تحلیل استعاره انتقادی، به تحلیل مضامین‌هایی با معلمان و اسناد آموزش و پرورش پرداختند و دریافتند که استعاره‌هایی مانند «سیاست به‌مثابه جنگ» در سیاست‌گذاری آموزشی رایج‌اند و سیاست‌گذاران را در اقناع تصمیمات‌شان یاری می‌دهند. از سوی دیگر، اسلامی (۱۳۹۷) با تحلیل گفتمان توییت‌ها و سخنرانی‌های ترامپ در سال ۲۰۱۷، نشان داد که استعاره «پدر سخت‌گیر» بازتاب‌دهنده دیدگاه محافظه‌کارانه و رویکرد سلطه‌جویانه او در سیاست خارجی آمریکا بوده است.

در حوزه ادبیات، حسن‌شاهی و همکاران (۱۳۹۷) استعاره‌های رمان «مدن‌الملح» اثر عبد الرحمن منیف را با روش تحلیل گفتمان انتقادی و ندادیک بررسی کرده و نشان دادند که استعاره‌های جنگی، حیوانی و طبیعی در خدمت تقویت هویت خودی و مشروعیت‌زدایی از استعمار قرار گرفته‌اند.

دباغ (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان **چالش‌های گفتمانی ظریف** با بهره‌گیری از چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، به بررسی بازنمایی گفتمان سیاست خارجی در صفحه رسمی محمدجواد ظریف در فضای مجازی پرداخته است. وی نشان داد که چگونه راهبردهای زبانی، انتخاب‌های واژگانی و ساختارهای گفتمانی در بازنمایی مذاکرات هسته‌ای و تعاملات دیپلماتیک، به مشروعیت‌بخشی مواضع سیاسی و جهت‌دهی به ادراک مخاطبان کمک می‌کنند. همچنین، نتایج نشان داد که زبان دیپلماسی در بستر رسانه‌ای، نه صرفاً ابزار اطلاع‌رسانی، بلکه سازوکاری ایدئولوژیک برای چهارچوب‌بندی واقعیت سیاسی است. با توجه به نزدیکی

موضوعی این اثر با مسئله مذاکرات هسته‌ای و بهره‌گیری از مدل سه مرحله‌ای فرکلاف، استفاده از آن می‌تواند پشتوانه نظری پژوهش حاضر را تقویت کند.

افخمی و شکبیا (۱۳۹۶) با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی به مقایسه سرمقاله‌های روزنامه‌های فارسی و انگلیسی پرداختند و دریافتند که روزنامه‌های فارسی از استعاره‌های بیشتری، به‌ویژه مذهبی، استفاده کرده‌اند و تفاوت در حوزه‌های مبدأ استعاره بین دو زبان آشکار بوده است.

مطالعه نامور و امیری پریان (۱۳۹۶) بر روی تیتراهای خبری شبکه ۲۰:۳۰ با تکیه بر نظریه لیکاف و جانسون انجام شد و نتایج حاکی از آن بود که استعاره‌های هستی‌شناختی بیشترین فراوانی را دارند و استفاده از ضرب‌المثل‌های استعاری نیز چشمگیر بوده است. در نهایت، مطلق (۱۳۹۵) در تحلیلی تطبیقی از روزنامه کیهان پیش و پس از انقلاب اسلامی، دریافت که نوع استعاره‌ها به‌ویژه افزایش استفاده از استعاره‌های مربوط به موجودات جاندار پس از انقلاب-نشان‌دهنده تغییر جهت‌گیری ایدئولوژیک در گفتمان رسانه‌ای است.

در حوزه مطالعات بین‌المللی نیز پژوهشگران متعددی به تحلیل نقش استعاره‌ها در بازنمایی گفتمان‌های سیاسی پرداخته‌اند.

شیان‌گو (۲۰۲۵) با بررسی دو سخنرانی نخست‌وزیر استرالیا در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳، دریافت که استعاره‌های وجودی در گفتمان‌های سیاسی غالب‌اند و در شرایط بحرانی‌تر، از استعاره‌های جنگی به‌طور گسترده‌تری استفاده می‌شود.

چونشی زو (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای بر مناظره‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری آمریکا نشان داد که ترامپ با بهره‌گیری از استعاره‌های نظامی، فناوری و قهرمانی، تلاش کرده خود را منجی و رقیب را تهدیدی برای ملت معرفی کند؛ این تحلیل در چهارچوب مربع ایدئولوژی ون‌دایک انجام شده است.

همچنین، شجاعت علی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی بر گفتمان جورج بوش درباره جنگ عراق، با تکیه بر نظریه شرق‌شناسی، دریافتند که استعاره‌هایی نظیر «موش»، «ویروس» و «محور شر» به غیرانسانی‌سازی دشمن و مشروعیت‌بخشی به خشونت نظامی کمک کرده‌اند.

شاگرد و همکاران (۲۰۲۱) با تحلیل اخبار آنلاین دربارهٔ وضعیت سیاسی عراق نیز نتیجه گرفتند که استعاره‌های مرتبط با جنگ، سقوط و بیماری نقش مهمی در شکل‌دهی ذهنیت سیاسی مخاطبان ایفا کرده‌اند.

در همین راستا، اپنتاوونگ و سیریمونچول (۲۰۱۹) در تحلیل پوشش رسانه‌ای انتخابات تایلند نیز نشان دادند که استعاره «انتخابات به مثابه جنگ» منجر به خشونت‌بار نشان دادن عرصهٔ سیاست در ذهن مخاطبان شده است.

مرور مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که استعاره‌ها نه تنها ابزارهایی زبانی، بلکه ابزاری گفتمانی و ایدئولوژیک برای ساخت واقعیت اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شوند. چهارچوب‌هایی چون نظریهٔ استعارهٔ مفهومی (لیکاف و جانسون)، تحلیل استعارهٔ انتقادی، تحلیل گفتمان انتقادی، و الگوهای ون‌دایک و فرکلاف، بنیان نظری عمدهٔ این مطالعات را شکل داده‌اند. به‌ویژه در گفتمان‌های سیاسی و رسانه‌ای، استعاره‌ها در جهت‌دهی به افکار عمومی، مشروعیت‌بخشی به اقدامات قدرت، و بازنمایی خودی و دیگری نقش کلیدی ایفا می‌کنند. پژوهش حاضر نیز با تکیه بر این پیشینه نظری و تجربی، به بررسی نقش استعاره‌های مفهومی در بازنمایی برجام در رسانهٔ خبری چندزبانه سی‌ان‌ان می‌پردازد.

چهارچوب نظری

پژوهش حاضر بر تقاطع دو دستگاه نظری مهم استوار است: نظریهٔ استعارهٔ مفهومی در زبان‌شناسی شناختی و رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی. تلفیق این دو چهارچوب، امکان بررسی هم‌زمان ساخت‌های ذهنی در بازنمایی استعاری و ابعاد اجتماعی-ایدئولوژیک زبان را فراهم می‌آورد. در ادامه، مؤلفه‌های اصلی این چهارچوب نظری تبیین می‌شود.

استعارهٔ مفهومی: بازنمایی ذهن از طریق زبان

نظریهٔ استعارهٔ مفهومی که توسط لیکاف و جانسون در کتاب استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم^۱ (۱۹۸۰) معرفی شد، بر این فرض استوار است که استعاره‌ها صرفاً آرایه‌های ادبی نیستند، بلکه سازوکارهای بنیادین تفکر انسان‌اند.

1. Metaphors We Live By.

بر اساس این نظریه، مفاهیم انتزاعی از طریق نگاشت ساختارهای مفهومی ملموس‌تر درک و بیان می‌شوند. به عنوان مثال، مفهوم پیچیده «مذاکره هسته‌ای» ممکن است در قالب استعاره «میدان نبرد» یا «ساختمان فروریخته» بازنمایی شود.

استعاره‌های مفهومی، در قالب نگاشت بین «حوزه مبدأ»^۱ و «حوزه مقصد»^۲ عمل می‌کنند و ساخت شناختی پنهانی را شکل می‌دهند که جهان را برای ما قابل فهم می‌سازد. این استعاره‌ها معمولاً در سه دسته اصلی طبقه‌بندی می‌شوند:

۱. استعاره‌های ساختاری: یک ساختار مفهومی کامل را از حوزه‌ای به حوزه دیگر منتقل می‌کنند (مثلاً برج‌ام به مثابه نبرد)؛

۲. استعاره‌های هستی‌شناختی: به مفاهیم انتزاعی «موجودیت» می‌بخشند (مثلاً برج‌ام به مثابه موجود زنده)؛

۳. استعاره‌های جهت‌ی: از مفاهیم فضایی برای توصیف حالات استفاده می‌کنند (مثلاً پیشرفت مذاکرات به مثابه حرکت به جلو).

از منظر زبان‌شناسی شناختی، این استعاره‌ها درونی‌سازی‌شده و بخشی از نظام مفهومی زبان‌آوران هر جامعه‌اند و می‌توانند بازتابی از تجربه فرهنگی-اجتماعی خاص هر بافت زبانی باشند.

تحلیل گفتمان انتقادی: زبان به مثابه کنش ایدئولوژیک

رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، به‌ویژه در چهارچوب نظری فرکلاف (۱۹۸۹)، زبان را کنشی اجتماعی و گفتمان را عرصه‌ای برای بازتولید قدرت و ایدئولوژی می‌داند. از این منظر، گفتمان نه بازتابی خنثی از واقعیت، بلکه سازنده آن است و انتخاب‌های زبانی می‌توانند حامل مواضع سیاسی، ایدئولوژیک و فرهنگی باشند. مدل سه‌مرحله‌ای فرکلاف برای تحلیل گفتمان شامل مراحل زیر است:

۱. توصیف^۳: تحلیل واژگانی و نحوی متن با تمرکز بر ویژگی‌های زبانی؛

1. Source domain.
2. Target domain.
3. Description.

۲. تفسیر^۱: بررسی چگونگی تعامل متن با بافت اجتماعی و نحوه درک آن توسط مخاطب؛

۳. تبیین^۲: تحلیل پیوندهای قدرت، ایدئولوژی و ساختارهای کلان اجتماعی در پشت گفتمان.

از آنجا که استعاره‌ها ابزار مهمی در برجسته‌سازی مفاهیم خاص، حاشیه‌رانی برخی دیگر، و هدایت افکار عمومی‌اند، تحلیل آن‌ها از منظر تحلیل گفتمان انتقادی می‌تواند نقش رسانه را در مشروعیت‌بخشی یا تخریب گفتمان‌های سیاسی آشکار سازد.

پیوند نظری دو رویکرد: استعاره مفهومی در خدمت گفتمان ایدئولوژیک

ترکیب نظریه استعاره مفهومی با تحلیل گفتمان انتقادی، امکان تحلیل لایه‌های عمیق‌تری از معنا در متون رسانه‌ای را فراهم می‌آورد. استعاره‌ها، در این چهارچوب، نه تنها سازوکارهای ذهنی بلکه ابزارهایی برای اعمال قدرت گفتمانی‌اند. آن‌ها از طریق بازنمایی گزینشی واقعیت، می‌توانند گفتمان‌های خاصی را مشروع جلوه دهند، تضادها را طبیعی‌سازی کنند یا مقاومت‌ها را بی‌اثر سازند.

در این پژوهش، با تحلیل استعاره‌های مفهومی در دو نسخه فارسی و انگلیسی اخبار سی‌ان‌ان درباره برجام، تلاش می‌شود تا تفاوت‌های گفتمانی، ایدئولوژیکی و فرهنگی نهفته در بازنمایی یک موضوع واحد کشف و تبیین شود. چنین تحلیلی نشان می‌دهد که چگونه حتی در چهارچوب یک رسانه واحد، انتخاب زبانی و استعاری می‌تواند به تولید روایت‌های متضاد منجر شود و بر ساخت اجتماعی واقعیت در دو جامعه اثر بگذارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی- کمی است و با رویکرد توصیفی- تحلیلی انجام شده است. روش اصلی تحلیل داده‌ها مبتنی بر چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (۱۹۸۹) در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین است که این مدل به

1. Interpretation.

2. Explanation.

پژوهشگر امکان می‌دهد تا ضمن بررسی ویژگی‌های زبانی و معنایی متن، به لایه‌های پنهان ایدئولوژیکی و گفتمانی نیز دست یابد. همچنین، نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) برای شناسایی و طبقه‌بندی استعاره‌ها به کار گرفته شده است تا درک عمیق‌تری از عملکرد استعاره در ساختار قدرت و بازنمایی ایدئولوژی در گفتمان رسانه‌ای حاصل شود. جامعه پژوهش شامل تمامی اخبار منتشرشده پیرامون موضوع برجرام در نسخه‌های فارسی و انگلیسی وبسایت رسمی شبکه خبری سی‌ان‌ان در بازه زمانی شهریور ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۱ (مطابق با آگوست ۲۰۲۱ تا ژوئن ۲۰۲۲) است که با روش نمونه‌گیری هدفمند، ۱۰۰ خبر (۵۰ خبر فارسی و ۵۰ خبر انگلیسی) انتخاب شد. معیار انتخاب نمونه‌ها تمرکز مستقیم آن‌ها بر موضوع برجرام، مذاکرات هسته‌ای، توافق ایران و ۵+، یا پیامدهای سیاسی آن بوده است. داده‌ها به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای از بایگانی رسمی وبسایت خبری سی‌ان‌ان گردآوری و در قالب فایل‌های متنی برای تحلیل آماده شدند. واحد تحلیل در این پژوهش جملات حاوی استعاره‌های مفهومی پیرامون برجرام است. در شیوه تحلیل، ابتدا تمام متون به دقت خوانده شده و استعاره‌های مفهومی شناسایی و بر اساس دسته‌بندی نظری لیکاف و جانسون به سه گروه استعاره‌های ساختاری، هستی‌شناختی و جهت‌ی تقسیم شدند. سپس تحلیل متن در سه مرحله توصیف (بررسی ویژگی‌های زبانی و واژگانی هر استعاره)، تفسیر (تحلیل بافت موقعیتی و گفتمانی استعاره) و تبیین (بررسی نقش استعاره‌ها در بازتولید یا مقاومت در برابر ایدئولوژی مسلط) با توجه به موقعیت رسانه‌ای، زبان و ساختار سیاسی متن انجام گرفت. برای تحلیل کمی از نرم‌افزار SPSS جهت محاسبه فراوانی و درصد استعاره‌ها در هر زبان استفاده شد و نتایج با جداول و نمودارهای ستونی ارائه گردید تا امکان مقایسه دقیق‌تر فراهم شود. اعتبار تحلیل‌ها با کدگذاری مضاعف، بازبینی دسته‌بندی استعاره‌ها، رجوع مکرر به چهارچوب‌های نظری و مقایسه با مطالعات پیشین افزایش یافته و تفسیر استعاره‌ها با ارجاع مستند به متن و بافت انجام شده است.

به منظور تدقیق در شناسایی استعاره‌های مفهومی، فرایند تحلیل در چند مرحله نظام‌مند انجام شد. در گام نخست، متون خبری به صورت کامل و چندباره خوانده

شدند و تمامی عبارات بالقوه استعاری استخراج گردیدند. معیار اصلی تشخیص استعاره، وجود انتقال معنایی از یک حوزه مبدأ عینی‌تر و تجربی‌تر (مانند جنگ، بیماری، سازه، مسیر، بازی و...) به یک حوزه مقصد انتزاعی‌تر (مانند برج‌ام، مذاکره، توافق یا ایران) بود. بدین‌ترتیب، تنها آن دسته از کاربردهای زبانی که واجد نگاشت مفهومی منسجم میان دو حوزه بودند، به‌عنوان استعاره مفهومی ثبت شدند و از درنظرگرفتن تعابیر کلیشه‌ای یا صرفاً اغراق‌آمیز که فاقد ساخت نگاشتی مشخص بودند، خودداری شد.

در گام دوم، استعاره‌های استخراج‌شده بر اساس دسته‌بندی سه‌گانه لیکاف و جانسون (ساختاری، هستی‌شناختی و جهتی) طبقه‌بندی شدند. برای هر نمونه، حوزه مبدأ، حوزه مقصد، نوع استعاره و بافت جمله در جدول کدگذاری ثبت گردید تا امکان بازبینی و تحلیل مجدد فراهم باشد.

با توجه به اینکه این مقاله از رساله دکتری استخراج شده و کدگذاری توسط پژوهشگر واحد انجام گرفته است، به‌منظور افزایش دقت و اطمینان از ثبات تحلیل، فرایند بازکدگذاری در دو نوبت انجام شد. بدین صورت که پس از تکمیل کدگذاری اولیه، بخشی از داده‌ها (به‌صورت تصادفی انتخاب‌شده) پس از یک فاصله زمانی مجدداً کدگذاری و نتایج با کدگذاری نخست مقایسه شد. موارد اختلاف با رجوع مجدد به چهارچوب نظری و بافت متنی اصلاح گردید. این بازبینی درون‌کدگذار به افزایش پایایی تحلیل و کاهش سوگیری احتمالی کمک کرده است.

افزون بر این، در تفسیر نهایی استعاره‌ها، اصل «ارجاع مستمر به بافت گفتمانی» رعایت شد؛ بدین معنا که تحلیل هر استعاره نه به‌صورت منفرد، بلکه در پیوند با ساختار کل خبر، موقعیت سیاسی گزارش و نقش کنشگران انجام گرفت تا از تفسیرهای خارج از بافت جلوگیری شود.

به‌منظور تدقیق در شناسایی استعاره‌های مفهومی، فرایند تحلیل در چند مرحله نظام‌مند انجام شد. در گام نخست، متون خبری به‌صورت کامل و چندباره خوانده شدند و تمامی عبارات بالقوه استعاری استخراج گردیدند. معیار اصلی تشخیص استعاره، وجود انتقال معنایی از یک حوزه مبدأ عینی‌تر و تجربی‌تر (مانند جنگ،

بیماری، سازه، مسیر، بازی و...) به یک حوزه مقصد انتزاعی‌تر (مانند برجام، مذاکره، توافق یا ایران) بود. تنها آن دسته از کاربردهای زبانی که واجد نگاشت مفهومی منسجم میان دو حوزه بودند، به‌عنوان استعاره مفهومی ثبت شدند و از لحاظ نظری با چهارچوب لیکاف و جانسون تطبیق داده شدند. بدین ترتیب، تعبیری که صرفاً اغراق‌آمیز یا کلیشه‌ای بودند اما فاقد ساخت نگاشتی مشخص میان دو حوزه مفهومی محسوب می‌شدند، در شمار داده‌های نهایی قرار نگرفتند.

در گام دوم، استعاره‌های استخراج‌شده براساس دسته‌بندی سه‌گانه لیکاف و جانسون به استعاره‌های ساختاری، هستی‌شناختی و جهتی طبقه‌بندی شدند. برای هر نمونه، حوزه مبداء، حوزه مقصد، نوع استعاره، و بافت جمله در جدول کدگذاری ثبت گردید تا امکان بازبینی و تحلیل مجدد فراهم باشد.

به‌منظور افزایش دقت و اطمینان از ثبات تحلیل، فرایند بازکدگذاری در دو نوبت انجام شد. بدین صورت که پس از تکمیل کدگذاری اولیه، بخشی از داده‌ها به‌صورت تصادفی انتخاب و پس از یک فاصله زمانی مجدداً کدگذاری گردید. نتایج با کدگذاری نخست مقایسه و موارد اختلاف با رجوع مجدد به چهارچوب نظری و بافت متنی اصلاح شد. این بازبینی درون‌کدگذار به افزایش پایایی تحلیل و کاهش سوگیری احتمالی کمک کرده است.

پس از تکمیل فرایند کدگذاری، فراوانی استعاره‌ها در هر دسته محاسبه شد و برای تحلیل کمی از نرم‌افزار SPSS جهت محاسبه درصدها و مقایسه توزیع استعاره‌ها در دو زبان استفاده گردید. نتایج در قالب جداول و نمودارهای ستونی ارائه شدند تا امکان مقایسه دقیق‌تر فراهم شود.

در مرحله نهایی، تحلیل داده‌ها بر اساس مدل سه‌مرحله‌ای فرکلاف انجام گرفت: در سطح توصیف، ویژگی‌های واژگانی و معنایی استعاره‌ها بررسی شد؛ در سطح تفسیر، رابطه استعاره‌ها با بافت گفتمانی و موقعیت سیاسی تحلیل گردید؛ و در سطح تبیین، نقش آن‌ها در بازتولید یا مقاومت در برابر ایدئولوژی مسلط واکاوی شد.

یافته‌های پژوهش

داده‌های پژوهش شامل ۱۰۰ خبر منتشرشده در وبسایت رسمی شبکه خبری سی‌ان‌ان در دو نسخه فارسی و انگلیسی (هر کدام ۵۰ خبر) در بازه زمانی شهریور ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۱ (مطابق با آگوست ۲۰۲۱ تا ژوئن ۲۰۲۲) است. تحلیل این داده‌ها بر اساس تلفیقی از نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) و مدل سه‌مرحله‌ای تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (۱۹۸۹) انجام شد.

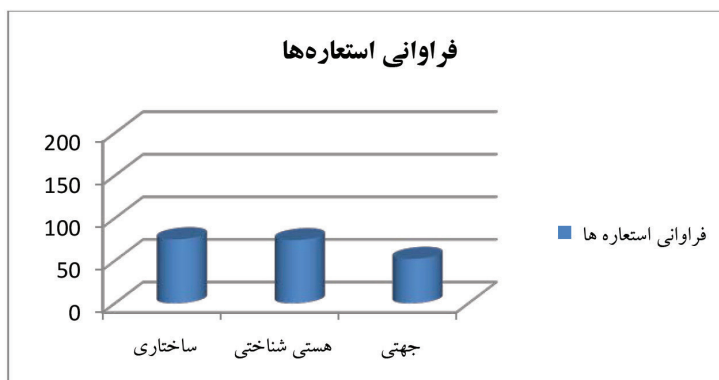
استعاره‌های شناسایی‌شده در سه دسته اصلی طبقه‌بندی شدند: استعاره‌های ساختاری، هستی‌شناختی، و جهت‌ی. سپس در هر دسته، تحلیل‌های توصیفی (متنی و معنایی) و آماری (فراوانی، درصد و مقایسه تطبیقی) انجام گرفت. یافته‌ها نشان‌دهنده تفاوت‌های چشم‌گیر در بازنمایی مفهومی برجام در دو زبان هستند که بیانگر عملکرد گفتمانی و ایدئولوژیکی استعاره‌ها در هر نسخه زبانی‌اند. در ادامه، نتایج به‌صورت جدول، نمودار و تفسیر عددی ارائه می‌شوند.

جدول ۱- فراوانی استعاره‌های ساختاری، هستی‌شناختی و جهت‌ی استفاده‌شده در گفتمان خبری فارسی سی‌ان‌ان

ردیف	نوع استعاره	تعداد	انواع استعاره‌های ساختاری، هستی‌شناختی و جهت‌ی	فراوانی	درصد
۱	استعاره ساختاری	۷۵	برجام به‌مثابه شیء فیزیکی/سازه	۹	۱۲٪
۲			برجام به‌مثابه موجود زنده	۹	۱۲٪
۳			برجام به‌مثابه مسیر، جاده یا سفر	۶	۸٪
۴			برجام به‌مثابه بازی، رقابت یا نبرد	۳۲	۴۳٪
۵			برجام به‌مثابه یک قرار داد تجاری	۴	۵٪
۶			برجام به‌مثابه یک ابزار چانه زنی	۱	۲٪
۷			برجام به‌مثابه یک معامله یا ابزار مذاکره	۹	۱۲٪
۸			برجام به‌مثابه یک میدان مین	۱	۱٪
۹			برجام به‌مثابه یک بحران	۴	۵٪

ردیف	نوع استعاره	تعداد	انواع استعاره‌های ساختاری، هستی‌شناختی و جهت	فراوانی	درصد
۱	استعارهٔ هستی‌شناختی	۷۴	برجام به‌مثابه دارایی، سرمایه یا کالای اقتصاد	۱۱	٪۱۵
۲			برجام به‌مثابه یک بازی	۵	٪۷
۳			برجام به‌مثابه یک ساختمان یا سازه	۸	٪۱۱
۴			برجام به‌مثابه یک شی فیزیکی	۱۹	٪۲۶
۵			برجام به‌مثابه ظرف، حوزه یا چهارچوب مکانی	۳	٪۴/۵
۶			برجام به‌مثابه ابزار، وسیله یا راه‌حل	۳	٪۴/۵
۷			برجام به‌مثابه موجود زنده	۱۶	٪۲۱
۸			برجام به‌مثابه یک مسیر	۵	٪۷
۹			برجام به‌مثابه یک بار فیزیکی یا فشار	۳	٪۴
۱۰			برجام به‌مثابه یک مسابقه یا محدودیت زمانی	۱	٪۱
۱	استعارهٔ جهت	۵۲	بالا/ پایین	۱۷	٪۳۲
۲			جلو/ عقب	۱۰	٪۱۹
۳			داخل/ خارج	۳	٪۶
۴			نموداری/ سطحی	۳	٪۶
۵			مسیر و جهت کلی	۱۵	٪۲۸
			برجام به‌مثابه یک مانع	۳	٪۶
			برجام به‌مثابه یک بار	۲	٪۳
جمع کل		۲۰۱			

نمودار ۱- فراوانی استعاره‌های ساختاری، هستی‌شناختی و جهت



در نمونه‌های استعاری خبری فارسی سی‌ان‌ان، جدول و نمودارهای ارائه‌شده در متن، توزیع آماری استعاره‌های مفهومی در متون خبری فارسی شبکه سی‌ان‌ان دربارهٔ برج‌رام را نشان می‌دهند. تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که استعاره‌های **ساختاری** (مانند برج‌رام به‌مثابه نبرد یا رقابت) با بیشترین فراوانی، بر ماهیت چالش‌برانگیز و مناقشه‌آمیز توافق تأکید دارند. استعاره‌های **هستی‌شناختی** (مانند برج‌رام به‌مثابه موجود زنده یا شیء فیزیکی) نیز سهم بالایی داشته و به برجسته‌سازی وضعیت شکننده و ملموس‌سازی مفهوم برج‌رام کمک کرده‌اند. استعاره‌های **جهتی** (نظیر بالا/پایین و جلو/عقب) نیز با تمرکز بر حرکت، مسیر و زمان‌بندی، روند پیشرفت یا پسرفت توافق را بازنمایی کرده‌اند. ترکیب این سه نوع استعاره، رویکردی چندلایه و نظام‌مند را در ترسیم تصویری بحرانی و پویای برج‌رام در گفتمان رسانه‌ای سی‌ان‌ان نشان می‌دهد.

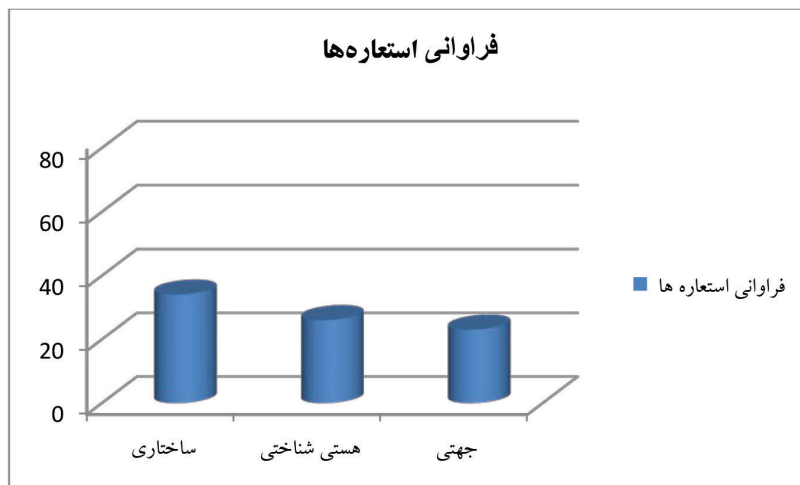
جدول ۲- جدول فراوانی استعاره‌های ساختاری، هستی‌شناختی و جهتی استفاده‌شده در گفتمان خبری انگلیسی سی‌ان‌ان

ردیف	نوع استعاره	تعداد	انواع استعاره‌های ساختاری، هستی‌شناختی و جهتی	تعداد	درصد
۱	استعارهٔ ساختاری	۳۴	برج‌رام به‌مثابه سازه یا چهارچوب مهندسی‌شده	۲	۶٪
۲			برج‌رام به‌مثابه موجود زنده (در حال مرگ یا قابل احیا)	۴	۱۲٪
۳			برج‌رام به‌مثابه مسیر، جاده یا فرایند حرکتی	۱	۳٪
۴			برج‌رام به‌مثابه بازی، رقابت یا نبرد دیپلماتیک	۱۴	۴۳٪
۵			برج‌رام به‌مثابه بافت پارچه یا رشته‌های درهم تنیده	۱	۳٪
۶			برنامه هسته‌ای به‌عنوان ابزار قدرت و تاکتیکی	۱	۳٪
۷			برج‌رام به‌مثابه اهرم فشار	۲	۶٪
۸			برج‌رام به‌مثابه یک توافق	۷	۲۱٪
۹			برج‌رام به‌مثابه یک میراث	۱	۳٪
۱۰			برج‌رام به‌مثابه ظرفی حاوی تعهدات	۱	۳٪

تحلیل شناختی-انتقادی استعاره‌های مفهومی در گفتمان خبری دوزبانۀ فارسی-انگلیسی پیرامون برج‌ام

ردیف	نوع استعاره	تعداد	انواع استعاره‌های ساختاری، هستی‌شناختی و جهت	تعداد	درصد
۱	استعارۀ هستی‌شناختی	۲۶	برجام به‌مثابه موجود زنده (یا قابلیت حیات یا مرگ)	۱۴	٪۵۴
۲			برجام به‌مثابه شیء فیزیکی (قابل حمل، نگهداری یا فروپاشی)	۱۰	٪۳۸
۳			برجام به‌مثابه فرایند	۲	٪۸
۱	استعارۀ جهت	۲۳	برجام رو به جلو یا عقب	۱۳	٪۵۴
۲			برجام رو به بالا یا پایین	۶	٪۲۵
۳			برجام مانند یک مسیر	۲	٪۸/۵
۴			برجام مانند یک شیء	۱	٪۴
۵			برجام مانند یک محدوده	۲	٪۸/۵
جمع کل		۸۳			

نمودار ۲- فراوانی استعاره‌های ساختاری، هستی‌شناختی و جهت در نمونه‌های استعاری خبری انگلیسی‌سی‌ان‌ان



جدول و نمودار ارائه‌شده، توزیع آماری استعاره‌های مفهومی در متون خبری انگلیسی شبکه‌ی سی‌ان‌ان درباره‌ی برج‌ام را نشان می‌دهند. استعاره‌های ساختاری با بیشترین فراوانی (۳۴ مورد)، بر چهارچوب‌هایی مانند نبرد، بازی و سازه

تأکید دارند و نقش مهمی در بازنمایی ابعاد راهبردی، تقابلی و تاکتیکی توافق ایفا می‌کنند. **استعاره‌های هستی‌شناختی** (۲۶ مورد) با شبیه‌سازی برج‌رام به موجود زنده یا شیء شکننده، حس فوریت، آسیب‌پذیری و نیاز به نجات را به مخاطب القا می‌کنند. **استعاره‌های جهتی** (۲۳ مورد) نیز با وجود بسامد کمتر، بر حرکت، مسیر و محدودیت زمانی تمرکز دارند. در مقایسه با نسخه فارسی، گفتمان انگلیسی‌زبان تأکید بیشتری بر **ابعاد فنی، راهبردی و اضطراری** برج‌رام دارد و سهم استعاره‌های جهتی در آن کمتر است. این ترکیب استعاری، فضای گفتمانی بحران‌آلود و پرچالشی ایجاد کرده و بر ضرورت اقدام فوری تمرکز دارد.

با توجه به یافته‌های فوق، می‌توان دریافت که هر دو نسخه فارسی و انگلیسی متون خبری شبکه س‌ان‌ان از سه نوع استعاره ساختاری، هستی‌شناختی و جهتی برای بازنمایی برج‌رام بهره برده‌اند، اما با تفاوت‌هایی در بسامد، تأکید و کارکرد گفتمانی. در ادامه، تحلیلی مقایسه‌ای میان متون خبری فارسی و انگلیسی س‌ان‌ان در سه دسته استعاره مفهومی یادشده انجام خواهد شد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های گفتمان‌سازی رسانه‌ای این دو نسخه به‌طور دقیق بررسی گردد.

استعاره‌های ساختاری: سازه‌های معنایی برای مدیریت درک مخاطب

استعاره‌های ساختاری بیشترین بسامد را در هر دو زبان داشتند، اما نوع و جهت‌گیری این استعاره‌ها در فارسی و انگلیسی کاملاً متفاوت بود. در نسخه فارسی س‌ان‌ان، برج‌رام اغلب در قالب ساختارهایی فرسوده، در حال فروپاشی یا بی‌ثبات بازنمایی شده است:

«برج‌رام مانند ساختمانی است که دیوارهایش ترک برداشته» (شهریور ۱۴۰۰)

«برج‌رام یک سازه متزلزل است که در آستانه فروریختن قرار دارد» (تیر ۱۴۰۱)

«ساختار برج‌رام، از ابتدا بنا نشده بود» (مرداد ۱۴۰۱)

«فشار بر دوش دولت، سنگینی بار اجرای برج‌رام» (اسفند ۱۴۰۰)

این استعاره‌ها فضایی تهدیدآمیز، بحران‌زده و ناپایدار را القا می‌کنند. استفاده مکرر از واژگانی چون فروپاشی، سقوط، بی‌ثباتی، آوار مؤید این جهت‌گیری گفتمانی

است. همچنین، آن‌ها با تأکید بر ساختار ناکارآمد و غیرپایدار، بر بحران درونی توافق تأکید می‌کند.

در نسخه انگلیسی سی‌ان‌ان، استعاره‌های ساختاری بیشتر بر وجه استراتژیک، فرایندی و قابل بازسازی برجام تأکید داشتند:

"The nuclear deal was a framework that was working" (آگوست ۲۰۲۱)

"They have accepted that the work done... is a good basis to build our work"

ahead" (نوامبر ۲۰۲۱)

"The framework of the deal is still there" (آوریل ۲۰۲۲)

بر خلاف فارسی، این استعاره‌ها با واژگانی مانند framework, basis, build ذهنیت مهندسی، فنی و ساختاری به برجام می‌بخشد. این نوع تصویرسازی، توافق را چیزی منظم، قابل بازسازی و متکی به زیربنا معرفی می‌کند. چنین تصویری می‌تواند هم بر امکان احیا تأکید کند و هم بر شکنندگی درونی آن.

از نظر آماری، در نسخه فارسی، ۷۵ مورد استعاره ساختاری شناسایی شد (از بین ۲۰۱ نمونه استعاره شناسایی شده)؛ در حالی که، در نسخه انگلیسی این رقم به ۳۴ مورد می‌رسید (از بین ۸۳ نمونه استعاره شناسایی شده).

استعاره‌های هستی‌شناختی: برجام به مثابه موجود زنده

این نوع استعاره، مفاهیم انتزاعی را به اشیاء یا موجودات جاندار نسبت می‌دهد. در این پژوهش، در متون فارسی و انگلیسی سی‌ان‌ان به‌طور گسترده از استعاره‌های هستی‌شناختی برای بازنمایی «حیات»، «مرگ» یا «بیماری» برجام استفاده شده است.

در نسخه فارسی، استعاره‌هایی از این نوع رایج بوده‌اند:

«برجام هنوز زنده است، اما سخت نفس می‌کشد» (خرداد ۱۴۰۱)

«توافق، در حال مرگ است، نجاتش ممکن نیست» (تیر ۱۴۰۱)

«برجام موجودی شکننده است که تاب فشار ندارد» (مرداد ۱۴۰۰)

در اینجا، وضعیت سیاسی توافق از طریق ویژگی‌های فیزیکی و زیستی معنا می‌یابد و در ذهن مخاطب، وضعیتی ملموس، احساسی و انسانی برای آن شکل می‌گیرد. این بازنمایی به تولید نگرانی، همدلی یا مطالبه برای مداخله کمک می‌کند. این استعاره‌ها بار احساسی و عاطفی بالایی داشته، حس اضطراب و ناامیدی را در مخاطب تقویت می‌کنند.

در نسخه انگلیسی، این استعاره‌ها اغلب شکل‌های ملایم‌تری داشتند:

"There is still life left in the agreement." (آگوست ۲۰۲۱)

"The deal is on such precarious life support." (آوریل ۲۰۲۲)

"We have to bring JCPOA back to life." (نوامبر ۲۰۲۱)

"A resurrected Iran deal could be coming." (فوریه ۲۰۲۲)

در این استعاره، برجام مانند موجودی زنده تصویر می‌شود که می‌تواند نفس بکشد، بیمار شود، در احتضار قرار گیرد یا احیا شود. واژگانی مانند life, revive, support, resurrected زیستی هستند که حس فوریت، امید، یا مرگ را در گفتمان فعال می‌کنند. این استعاره‌ها ابزاری مؤثر برای ایجاد فشار روانی و اقناع افکار عمومی در جهت اقدام فوری سیاسی هستند. جهت‌گیری استعاره‌ها در انگلیسی به سمت پذیرش بحران همراه با امید به احیا متمایل است، نه اعلام پایان و مرگ قطعی. از نظر آماری، استعاره‌های هستی‌شناختی در نسخه فارسی ۷۴ مورد (از بین ۲۰۱ مورد استعاره شناسایی شده) و در نسخه انگلیسی ۲۶ مورد (از بین ۸۳ مورد استعاره شناسایی شده) از کل استعاره‌ها را شامل می‌شوند.

استعاره‌های جهتی: حرکت‌ها و موقعیت‌های فضایی در گفتمان

استعاره‌های جهتی، با بهره‌گیری از مفاهیم فضا، جهت و حرکت، به تفسیر وضعیت یا مسیر یک پدیده کمک می‌کنند. این استعاره‌ها نیز در هر دو زبان حضور داشتند، اما جهت‌گیری آن‌ها متضاد بود.

«برجام به پایین‌ترین سطح امید رسیده است» (بهمن ۱۴۰۰)

«این توافق در حال سقوط است» (فروردین ۱۴۰۱)

«باید سطح برجام را به وضعیت بالاتری بازگردانیم» (شهریور ۱۴۰۰)

«برجام از حالت ایستاده سقوط کرده است» (مرداد ۱۴۰۱)

«مذاکرات یک گام به جلو و دو گام به عقب رفته‌اند» (خرداد ۱۴۰۱)

«بازگشت ایران به برجام یک گام به عقب تلقی می‌شود» (آذر ۱۴۰۰)

در این استعاره‌ها، مفهوم جهت عمودی برای القای میزان اعتبار یا موفقیت توافق به کار می‌رود. حرکت به سمت پایین، تداعی‌گر زوال، کاهش مشروعیت و شکست است. در مقابل، «بالا» نماد ارتقا، موفقیت و بازگشت به وضعیت مطلوب تلقی می‌شود. این استعاره‌ها ارزش‌گذاری‌های ضمنی را بی‌آن‌که مستقیماً قضاوت کنند، منتقل می‌کنند.

"Talks are moving forward". (آگوست ۲۰۲۱)

"We're inching closer to an agreement". (مارس ۲۰۲۲)

"Returning to the JCPOA". (نوامبر ۲۰۲۱)

"They haven't walked away from the deal yet". (ژوئن ۲۰۲۲)

"Back on the table". (مارس ۲۰۲۲)

در این استعاره‌ها، روندهای حرکتی به‌صورت پیشرفت، تکامل یا بازبازی بازنمایی شده‌اند. از نظر آماری، استعاره‌های جهت‌ی در نسخه فارسی ۵۲ مورد (از بین ۲۰۱ نمونه استعاره شناسایی‌شده) و در نسخه انگلیسی ۲۳ مورد (از بین ۸۳ نمونه استعاره شناسایی‌شده) کل استعاره‌ها را تشکیل داده‌اند.

تحلیل زمانی و تغییر استعاره‌ها

تحلیل زمانی استعاره‌های مفهومی در گفتمان خبری سی‌ان‌ان پیرامون برجام نشان می‌دهد که کاربست استعاره‌ها در بازه‌های زمانی مختلف، تابعی از تحولات سیاسی و دیپلماتیک پیرامون برجام است. در این راستا، استعاره‌های ساختاری،

هستی‌شناختی و جهت‌ی، بسته به فضای گفتمانی هر دوره، فراوانی و کارکردهای متفاوتی یافته‌اند.

در رابطه با استعاره‌های ساختاری در گفتمان فارسی، در مراحل اولیه (قبل از توافق اولیه در سال ۲۰۱۵)، استعاره‌هایی نظیر «برجام به‌مثابه نبرد»، «میدان مین» یا «بحران» غالب بود که بازتاب‌دهنده فضای پرتنش مذاکرات بود. پس از امضای توافق، این الگوها جای خود را به استعاره‌هایی مانند «برجام به‌مثابه معامله»، «سازه» یا «موجود زنده» دادند که دلالت بر ساختار توافق و پویایی آن دارد. در دوره‌های بعد (خروج آمریکا و بازگشت تحریم‌ها)، مجدداً استعاره‌های منفی همچون «برجام به‌مثابه بحران» یا «میدان مین» تقویت شد.

در گفتمان انگلیسی نیز روندی مشابه اما با تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. استعاره‌های مثبت‌تر مانند "framework" و "path to peace" در دوره توافق بیشتر رواج یافتند، اما پس از خروج آمریکا، واژگان با بار تهدید و شکست مانند "collapse" یا "deal crumbling" جایگزین شدند.

در رابطه با استعاره‌های هستی‌شناختی در گفتمان فارسی، استعاره‌هایی چون «برجام به‌مثابه موجود زنده»، «شیء فیزیکی» یا «مسیر» در دوره‌های مختلف به‌کار رفته‌اند. در دوره توافق، جنبه‌هایی چون «رشد»، «پویایی» و «حرکت» پررنگ‌تر بودند، در حالی‌که در دوره افول برجام، تأکید بر جنبه‌های منفی‌تری مانند «بار فیزیکی» یا «محدودیت زمانی» مشاهده می‌شود. در گفتمان انگلیسی، استعاره‌های هستی‌شناختی عمدتاً با تمرکز بر موجود زنده (living deal)، کالای دیپلماتیک (diplomatic instrument)، یا مسیر حل منازعه (way forward) به کار رفته‌اند که بازتاب‌دهنده دیدگاه کارکردی و ابزارگرایانه رسانه‌های انگلیسی‌زبان به برجام است.

در رابطه با استعاره‌های جهت‌ی مانند «بالا/پایین»، «جلو/عقب»، «درون/بیرون» در هر دو گفتمان به‌صورت مکرر در دوره‌های مختلف دیده می‌شوند. در گفتمان فارسی، ترکیب‌هایی مانند «برجام در سراسیمی سقوط»، «برجام به عقب رانده شد»، یا «حرکت رو به جلو» بسته به تحولات دیپلماتیک تقویت یا تضعیف شده‌اند. در گفتمان انگلیسی، اصطلاحاتی چون moving forward, falling apart, out

of the deal بیانگر مفاهیم مشابه هستند.

تحلیل زمانی استعاره‌های مفهومی نشان می‌دهد که رسانه چندزبانه سی‌ان‌ان در بازنمایی گفتمان پیرامون برج‌ام، از الگوهای استعاری متفاوت و تطویرپذیر استفاده می‌کند. این استعاره‌ها نه تنها بازتاب‌دهنده وضعیت سیاسی برج‌ام در هر مقطع زمانی‌اند، بلکه ایدئولوژی و موضع‌گیری رسانه را نیز منعکس می‌سازند. مقایسه تطبیقی نسخه فارسی و انگلیسی، تفاوت در نوع استعاره‌ها و شدت کاربرد آن‌ها را برجسته می‌سازد که بیانگر جهت‌گیری‌های خاص رسانه در هر زبان و مخاطب هدف آن است.

تحلیل توزیع زمانی استعاره‌ها نشان داد که در ماه‌های نزدیک به فروپاشی برج‌ام (فروردین تا خرداد ۱۴۰۱)، استعاره‌های منفی در هر دو زبان افزایش یافته‌اند، اما شدت آن در فارسی بسیار بیشتر بود. در مقاطع امید به احیای مذاکرات (مثل آبان ۱۴۰۰)، استعاره‌های سازنده در نسخه انگلیسی بیشتر دیده شدند، در حالی که نسخه فارسی همچنان محتاط و بدبین باقی مانده بود.

نتایج حاصل از تحلیل گفتمان انتقادی و استعاره‌های مفهومی در اخبار فارسی و انگلیسی شبکه سی‌ان‌ان نشان می‌دهد که استعاره‌ها ابزارهای بنیادین در تولید و بازتولید گفتمان‌های ایدئولوژیک پیرامون برج‌ام هستند. در هر دو زبان، استعاره‌ها نه صرفاً جنبه زیبایی‌شناختی، بلکه نقش فعالی در معناپردازی و هدایت ادراک مخاطب دارند. با این حال، نوع استعاره‌ها و جهت‌گیری آن‌ها در هر زبان متفاوت بوده و متأثر از رویکرد گفتمانی مسلط است.

مقایسه نوع و نقش استعاره‌ها در شکل‌دهی به گفتمان ایدئولوژیک

در نسخه فارسی سی‌ان‌ان، استعاره‌هایی مانند «برج‌ام در حال احتضار است»، «سازه‌ای در حال فروپاشی»، «نوزادی نارس» یا «خانه‌ای بر لبه پرتگاه» اغلب ناظر بر شرایط بحرانی، بی‌ثبات و ناامیدکننده هستند. این استعاره‌ها با بار معنایی منفی، فضای گفتمانی‌ای ترسیم می‌کنند که در آن امکان بازیابی توافق ضعیف و شکست آن قریب‌الوقوع است. این نوع بازنمایی، بازتاب‌دهنده گفتمان غالب رسانه‌ای در زمینه عدم اعتماد به نتیجه مذاکرات، ناامیدی از طرف‌های غربی، و نارضایتی از عملکرد نهادهای دیپلماتیک است.

در مقابل، نسخه انگلیسی سی‌ان‌ان تمایل دارد که حتی در شرایط بحرانی نیز از استعاره‌هایی استفاده کند که بر استراتژی، فرایند و امکان بازسازی تأکید دارد؛ مانند: *The deal is on life support, A fragile but necessary framework, A blueprint for diplomatic recalibration*. این استعاره‌ها اگرچه وجود بحران را انکار نمی‌کنند، اما آن را در بستری تاکتیکی، مدیریت‌پذیر و قابل احیا قرار می‌دهند. درواقع، استعاره‌های به‌کاررفته در نسخه انگلیسی، بیشتر در راستای حفظ امید، تأکید بر تعامل و برجسته‌سازی امکان بازسازی دیپلماتیک‌اند و گفتمانی عمل‌گرایانه را بازتولید می‌کنند. در نتیجه، استعاره‌های مفهومی در دو نسخه زبانی، حامل جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک متفاوتی هستند: نسخه فارسی با محوریت گفتمان بحران و ناامیدی، و نسخه انگلیسی با محوریت گفتمان تاکتیک، مدیریت و امکان احیا.

برجسته‌سازی یا حذف ابعاد واقعیت در هر زبان

یکی از عملکردهای اصلی استعاره‌ها در گفتمان رسانه‌ای، نه‌تنها معناپردازی، بلکه برجسته‌سازی برخی جنبه‌های واقعیت و در عین حال، حذف یا حاشیه‌رانی جنبه‌های دیگر است. این مسئله در بازنمایی برجام به‌وضوح مشاهده می‌شود. در گفتمان فارسی، استعاره‌ها عموماً ابعاد بحرانی، بن‌بست، شکست و ناامیدی برجام را برجسته می‌سازند. در این گفتمان، مذاکرات به‌مثابه میدان مین یا بن‌بستی تاریک معرفی می‌شوند و واژگانی چون سقوط، کما، احتضار و بن‌بست، بار عاطفی شدیدی به متن می‌بخشند. در نتیجه، امکان احیا، اعتمادسازی یا گفت‌وگوی مؤثر به حاشیه رانده می‌شود یا اصلاً مورد اشاره قرار نمی‌گیرد.

در مقابل، گفتمان انگلیسی با بهره‌گیری از استعاره‌هایی همچون بازی، صحنه دیپلماسی، فرایند قابل اصلاح یا سازه‌ای قابل ترمیم، جنبه‌هایی چون گفت‌وگو، بازسازی و بازیابی توافق را برجسته می‌کند. حتی در گزارش‌هایی که به بن‌بست اشاره دارند، استعاره‌هایی به کار می‌رود که از احتمال حل مسئله، انعطاف‌پذیری فرایند و لزوم تعامل خبر می‌دهند. در این روایت، بحران به‌عنوان بخشی از روندی پویا و قابل مدیریت تلقی می‌شود. این تفاوت در اولویت‌دهی به ابعاد مختلف واقعیت، به رسانه این امکان را می‌دهد تا درک مخاطب را به‌شکلی جهت‌دار هدایت کرده و در بازتولید یا چالش با گفتمان‌های مسلط نقش ایفا کند.

نقش زبان و بافت فرهنگی در بازنمایی برج‌ام

تحلیل تطبیقی استعاره‌ها نشان می‌دهد که تفاوت‌های زبانی و فرهنگی نقش مهمی در نحوه بازنمایی برج‌ام ایفا می‌کنند. زبان نه صرفاً وسیله‌ای برای انتقال پیام، بلکه بستری برای بازتاب جهان‌بینی، ارزش‌ها و چهارچوب‌های مفهومی خاص هر جامعه است. در گفتمان فارسی‌سی‌ان‌ان، استعاره‌ها متأثر از تجربه زیستۀ فرهنگی و تاریخی جامعه ایرانی، عموماً بار احساسی و استعاری بالاتری دارند. تصورات فرهنگی از فروپاشی، نجات، مرگ و زندگی در قالب استعاره‌هایی با بار عاطفی شدید بیان می‌شوند که اغلب تأثیر عمیق‌تری بر مخاطب دارند.

در گفتمان انگلیسی، استعاره‌ها بیشتر در چهارچوب منطق تاکتیکی، زبان دیپلماتیک و ساختار سیاست خارجی غربی شکل می‌گیرند. استفاده از استعاره‌هایی چون بازی، مسیر، چهارچوب یا ابزار دیپلماتیک، بیانگر درکی است که بحران را بخشی از بازی قدرت‌ها می‌داند، نه یک وضعیت تراژیک یا شکست‌ناپذیر.

همچنین، مخاطبان هدف هر زبان نیز در انتخاب استعاره‌ها مؤثرند. نسخه فارسی‌سی‌ان‌ان، با در نظر گرفتن حساسیت‌های سیاسی-فرهنگی جامعه ایرانی، روایتی شکل می‌دهد که احساسات منفی را برمی‌انگیزد، در حالی که نسخه انگلیسی، متناسب با بافت غربی، روایتی ارائه می‌دهد که مخاطب را به مشارکت، تعامل و امید به حل بحران فرا می‌خواند.

به‌طور کلی، تفاوت در نوع و جهت‌گیری استعاره‌ها در دو زبان، بازتابی از سازوکارهای عمیق‌تر گفتمان‌سازی رسانه‌ای است. استعاره‌ها در این گفتمان‌ها، نه تنها ساخت‌های شناختی، بلکه ابزارهایی برای تثبیت یا مقاومت در برابر گفتمان‌های سیاسی و ایدئولوژیک‌اند. تفاوت در برجسته‌سازی یا حذف برخی ابعاد واقعیت و تأثیر فرهنگ و زبان بر بازنمایی برج‌ام، نشان می‌دهد که رسانه‌های خبری دوزبانۀ نظیر سی‌ان‌ان، اگرچه در ظاهر یکپارچه‌اند، اما در عمل، گفتمان‌هایی متفاوت و گاه متضاد تولید می‌کنند که بر درک عمومی از واقعیت تأثیر عمیق می‌گذارند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی استعاره‌های مفهومی در گفتمان خبری فارسی و انگلیسی شبکه دوزبانه سی‌ان‌ان پیرامون برجام، با بهره‌گیری از نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) و چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (۱۹۸۹) انجام شد. یافته‌ها نشان داد که استعاره‌ها در گفتمان رسانه‌ای نه تنها ابزارهای زبانی، بلکه سازوکارهایی قدرتمند برای معناپردازی، بازنمایی گزینشی واقعیت و بازتولید ایدئولوژی هستند. در همین راستا، به پرسش‌های پژوهش به‌صورت زیر پاسخ داده شد.

در پاسخ به پرسش اول که آیا استعاره‌های به‌کاررفته در هر زبان، از یک چهارچوب مفهومی واحد پیروی می‌کنند یا بافت زبانی و فرهنگی بر ساخت و معنای آن‌ها اثرگذار است، پژوهش حاضر نشان داد که استعاره‌های به‌کاررفته در نسخه‌های فارسی و انگلیسی سی‌ان‌ان، اگرچه به‌لحاظ نظری در چهارچوب‌های کلی نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) و دسته‌بندی سه‌گانه ساختاری، هستی‌شناختی و جهتی قرار می‌گیرند، اما در سطح عملی و گفتمانی، از چهارچوب‌های مفهومی یکسانی تبعیت نمی‌کنند. بافت فرهنگی، زبانی و سیاسی هر جامعه تأثیر چشمگیری بر شکل‌گیری، انتخاب، و کارکرد این استعاره‌ها داشته است. در گفتمان فارسی، استعاره‌ها عمدتاً احساسی‌تر، بحرانی‌تر و ملهم از فضای ناامیدی و تعلیق هستند؛ به‌عنوان مثال، استعاره‌هایی چون «برجام در حال مرگ است»، «سازه‌ای فروپاشیده» یا «موجودی شکننده»، نشان‌دهنده چهارچوبی مفهومی‌اند که بر نابسامانی، تهدید و فروپاشی احتمالی تمرکز دارد. این در حالی است که گفتمان انگلیسی بیشتر از استعاره‌هایی بهره می‌برد که بر فرایندهای دیپلماتیک، تقابل منافع، و امکان کنش استراتژیک تأکید دارد؛ مانند «میدان نبرد منافع»، «بازی دیپلماتیک»، یا «چهارچوب مهندسی‌شده». بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که زبان به‌عنوان نظامی فرهنگی-ایدئولوژیک، در بازنمایی استعاری مفاهیم کلیدی کاملاً نقش‌ساز است. استعاره‌ها نه تنها مفاهیم را منتقل می‌کنند بلکه آن‌ها را در قالب چهارچوب‌های فرهنگی-گفتمانی خاص، شکل و معنا می‌بخشند.

در پاسخ به پرسش دوم، تحلیل نشان داد که بازنمایی مفاهیم کلیدی همچون «توافق»، «مذاکره» و «ایران» در دو زبان، تابعی از جهت‌گیری ایدئولوژیک و مخاطب

هدف هر نسخه است. به عبارتی، یافته‌های پژوهش نشان داد که این مفاهیم در دو نسخه زبانی سی‌ان‌ان به شیوه‌ای هم‌ارز و یکسان بازنمایی نشده‌اند. این مفاهیم در هر زبان از طریق شبکه‌ای از استعاره‌ها مفهوم‌سازی شده‌اند که برخاسته از نیازهای گفتمانی، مخاطب هدف و جهت‌گیری ایدئولوژیک هر نسخه است. در نسخه فارسی، «توافق» به‌مثابه سازه‌ای شکننده و ناپایدار تصویر شده که در معرض تهدیدهای بیرونی و فشارهای داخلی قرار دارد. همچنین «مذاکره» گاه به‌عنوان تلاش عبث و گاه به‌عنوان مانور دیپلماتیک نافرجام بازنمایی شده و «ایران» در قالب کشوری تحت فشار، قربانی ساختارهای جهانی یا در نقش بازیگری مقاوم نمود یافته است. در مقابل، در نسخه انگلیسی، «توافق» به‌عنوان محصولی پیچیده، قابل بازسازی و بخشی از روند طبیعی دیپلماسی مفهوم‌سازی شده است. «مذاکره» به‌مثابه «بازی تاکتیکی» یا «تقابل عقلانی منافع» بازنمایی می‌شود و «ایران» در نقش یک بازیگر منطقه‌ای با نفوذ اما چالش‌برانگیز به تصویر درمی‌آید. این تمایزها حاکی از آن است که زبان رسانه‌ای، مفاهیم کلیدی را به‌صورت گزینشی و هدفمند شکل می‌دهد؛ استعاره‌ها ابزاری هستند برای برجسته‌سازی یا کمرنگ‌سازی جنبه‌هایی از واقعیت که از منظر گفتمانی رسانه اهمیت بیشتری دارد.

همچنین، در پاسخ به پرسش سوم که چه دلالت‌هایی از این تفاوت‌های استعاری می‌توان در ارتباط با جهت‌گیری گفتمانی رسانه، نقش زبان در بازتولید ایدئولوژی، و هدایت ادراک عمومی استنباط کرد، می‌توان گفت که تفاوت‌های استعاری شناسایی‌شده میان دو نسخه فارسی و انگلیسی سی‌ان‌ان، دلالت‌های مهمی برای درک نقش رسانه در بازتولید ایدئولوژی و هدایت افکار عمومی دارند. این تفاوت‌ها نشان می‌دهند که استعاره‌ها صرفاً ابزارهای زبانی نیستند بلکه ابزارهایی برای کنش گفتمانی، جهت‌گیری سیاسی و ساخت اجتماعی واقعیت هستند.

از منظر جهت‌گیری گفتمانی رسانه، نتایج نشان می‌دهد که سی‌ان‌ان در نسخه فارسی گفتمانی مبتنی بر بحران، فشار و ناامیدی از غرب را تقویت می‌کند که می‌تواند با فضای رسانه‌ای رسمی داخل کشور هم‌راستا باشد، در حالی که در نسخه انگلیسی، با تأکید بر فرایندهای استراتژیک و بازی‌های سیاسی، تلاش می‌شود تصویری عقلانی‌تر، مدیریت‌پذیرتر و قابل مذاکره از وضعیت ارائه گردد.

از منظر نقش زبان در بازتولید ایدئولوژی، استعاره‌ها به مثابه ابزارهای انتخابی، به رسانه‌ها امکان می‌دهند که واقعیت‌های پیچیده سیاسی را به شیوه‌ای ساده‌شده و ایدئولوژیک بازنمایی کنند. از طریق برجسته‌سازی جنبه‌هایی خاص از واقعیت و پنهان‌سازی جنبه‌های دیگر، زبان رسانه می‌تواند به بازتولید نظم نمادین مورد نظر رسانه کمک کند.

از منظر هدایت ادراک عمومی، استعاره‌ها نقش کلیدی در چهارچوب‌بندی ذهنی مخاطبان دارند. به عنوان مثال، وقتی «برجام» در قالب یک «جنگ»، «نبرد» یا «بازی سیاسی» بازنمایی می‌شود، مخاطب به صورت ناخودآگاه درگیر منطق رقابت و پیروزی-شکست می‌گردد، نه سازش و تفاهم. در نتیجه، چهارچوب استعاری می‌تواند کنش‌های بعدی مخاطب را نیز شکل دهد. این تحلیل‌ها بر این نکته تأکید دارند که استعاره‌های رسانه‌ای، نه تنها بازتاب‌کننده ایدئولوژی‌اند، بلکه در فرایند ایدئولوژیک‌سازی مشارکت فعال دارند. به عبارت دیگر، استعاره‌ها، ابزارهای بازنمایی نیستند؛ بلکه ابزارهای قدرت‌اند.

پیشنهاده‌ها

براساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود تحلیل‌گران و تولیدکنندگان محتوای رسانه‌ای در بازنمایی موضوعات حساس سیاسی، به کارکردهای پنهان استعاره‌های مفهومی توجه بیشتری داشته باشند. نتایج نشان داد که استعاره‌ها می‌توانند بدون تصریح مستقیم موضع‌گیری، از طریق برجسته‌سازی برخی ابعاد واقعیت و حاشیه‌رانی ابعاد دیگر، چهارچوب ادراک مخاطبان را شکل دهند. از این‌رو، بازاندیشی آگاهانه در انتخاب‌های استعاری و توجه به پیامدهای ایدئولوژیک آن‌ها می‌تواند به تولید گفتمان رسانه‌ای مسئولانه‌تر و متوازن‌تر کمک کند.

همچنین، پیشنهاد می‌شود در حوزه آموزش سواد رسانه‌ای، تحلیل استعاره‌های مفهومی به عنوان یکی از ابزارهای خوانش انتقادی متون خبری مورد توجه قرار گیرد. آموزش مخاطبان برای شناسایی نگاشت‌های استعاری و درک نقش آن‌ها در بازتولید ایدئولوژی، می‌تواند قدرت تحلیل و ارزیابی انتقادی اخبار را افزایش دهد. در نهایت، پژوهش‌های آتی می‌توانند با گسترش بازه زمانی، بررسی رسانه‌های دیگر یا مقایسه گفتمان شبکه‌های خبری متفاوت، به تحلیل جامع‌تری از بازنمایی استعاری برجام در فضای رسانه‌ای بین‌المللی دست یابند.

فهرست منابع

۱. اسلامی، سعید (۱۳۹۷). «بررسی نقش استعاره‌ها در زبان‌شناسی دانلد ترامپ»، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۰(۲)، ۳۹-۱۲.
۲. افخمی، علی؛ و شکيبا، کامران (۱۳۹۶). بازنمایی ایدئولوژیک مطبوعات انگلستان و ایران با نگاه تحلیل انتقادی استعاره، *جستارهای زبانی*، ۸(۷)، ۲۳۱-۲۰۹.
۳. حسن‌شاهی، سعیده؛ صیادی‌نژاد، روح‌الله؛ و نجفی ایوکی، علی (۱۳۹۷). «بررسی استعاره‌های ایدئولوژیک در رمان «مدن الملح» عبدالرحمن منیف براساس نظریه ون دایک»، *جستارهای زبانی*، ۱۰(۴)، ۱۱۳-۱۴۲.
۴. حسینی‌مطلق، سیده نسیم (۱۳۹۵). *نقش ایدئولوژی در ساخت و گزینش استعاره در گفتمان سیاسی از منظر رویکردهای پیکره‌ای به تحلیل انتقادی استعاره چارتریس- بلک*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان.
۵. دباغ، علیرضا (۱۳۹۶). *چالش‌های گفتمانی ظریف: تحلیل گفتمان صفحه فیسبوک دکتر محمدجواد ظریف*، تهران: انتشارات سیمای شرق.
۶. صادقی، مهسا؛ دبیر مقدم، محمد؛ و رهبر، بهزاد (۱۴۰۳). «نقش استعاره‌ها در ایجاد فرهنگ ترس حول کرونا: رویکردی شناختی و انتقادی»، *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۱۲(۱)، ۵۴-۳۹.
۷. المیر، علی، یعقوبی، روح‌الله، عامری، حیات، دبیرمقدم، محمد، و آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۴۰۲). «استعاره دستوری اسم‌سازی و بازنمایی ایدئولوژیک در گفتمان سیاسی برج‌ام: رویکرد دستور نقش‌گرای نظام‌مند»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی: نظریه و کاربرد*، ۲۱(۲)، ۴۴-۲۱.
۸. نامور، زهرا؛ و امیری‌پریان، خدیجه (۱۳۹۶). «کاربرد استعاره‌های مفهومی در تیترهای خبر ۲۰:۳۰ شبکه دو سیما: مطالعه‌ای در چهارچوب معناشناسی شناختی»، *پژوهش‌های ارتباطی*، ۸۹(۲۴)، ۱۴۹-۱۷۹.

۹. نوبخت، محسن؛ عظیمی، محمد؛ و همایونی دمیرچی، امین (۱۴۰۱). «تحلیل انتقادی استعاره سیاست‌گذاری و اجرای سیاست: ارائه استعاره‌های بدیل»، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۱۱(۴۱)، ۱۴۵-۱۷۳.

10. Ali, S. S., & Khan, S. (2021). Dehumanizing to demonizing: Critical discourse analysis of George Bush's speeches for exploring the influence of dehumanizing metaphor in political discourse. *FWU Journal of Social Sciences*, 15(1), 154–168.
11. Charteris-Black, J. (2004). *Corpus Approaches to Critical Metaphor Analysis*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
12. Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. London: Longman.
13. Guo, S. (2013). Metaphor studies from the perspective of critical discourse analysis: A case study of business acquisition. *Theory and Practice in Language Studies*, 3(3), 475–481.
14. Intawong, P., & Sirimongchol, Z. (2019). Conceptual metaphor of war in Thailand's election in online news. *Ganesha Journal*, 15(2), 33–44.
15. Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: University of Chicago Press.
16. Shakir, S. S., Nagm, M. S., & Hamza, A. (2021). Conceptual metaphor in online news: A case study of Iraq's political situation. *Al-Adab College Scientific Journal*, 44, 26-50.